



گفت و گو مصحفی ایران

بارویکرد حفظ حقوق وآزادی های مردم انجام شده وماتلاش کردیم به آن جهت بدهیم. مثلاً در امور مربوط به دعایى هم جالبى داریم که زیرمجموعه همین بخش است که آنجا هم اقدامات مهمی برای حفظ حقوق دولت کرده ایم. برای نمونه در جایی متوجه شدیم که ابطال یک مصوبه یی را در دستگاه قضایی دنبال می کنند که مربوط به ۲۵ هزار هکتار زمین بودو اگر ابطال می شد ممکن بود این حجم از اموال و اراضی دولتی و عمومی را دست برود. بنابراین محکم ایستادیم ودفاع کردیم وجولوی آن را در مرحله اول گرفتیم.

■ **طرف این عواجه کسی پناهدی بوده؟**
یکی از شرکت های دولتی که خصوصی سازی شده، آمده مدعی این زمین شده در حالی که در فهرست اموال موضوع واگذاری نبوده است. آنها مدعی بودند چون زمانی که شرکت متعلق به دولت بود، این زمین ها هم به آن مجموعه تعلق داشت، الان هم باید این طور باشد. حال آنکه اینها تکفیک شده و در فهرست اموال نیامده است. بنابراین رفته اند مصوبه ای که این زمین ها را از موضوع واگذاری جدا و استثناء کرده، ابطال کنند تا بتوانند این زمین را مالک شوند. حال آنکه موضوع اراضی عمومی ومنابع طبیعی آن هم به اندازه یی شهر بزرگ است. مورد دیگر ۵ هزار هکتار زمین در شمال بود که آمده بودند بر مبنای مصوبه ای آن را تصاحب کنند. ما طرح دعوا کردیم و حکم هم گرفتیم ومنابع این کار شدیم. یاد رموردی دیگر متوجه شدیم نهادی برای یک تفهیه ملی بسیار مهم رفته حتی سند هم گرفته است. دعوی ابطالش را مطرح کردیم و پیگیر هستیم.

■ **حالا که بحث شکایت و طرح دعوا شد خوب است به این ادعای مخالفان دولت هم پاسخ دهید که می گویند شما دهان منتقدان را بسته اید؟**

از ابتدای کار من یک شورای نظارت بر دعاوی وشکایت ها گذاشته ام که نه دعوی لازمی بخصوص در مورد اموال و حقوق دولتی و عمومی طرح نشده باقی بماند و نه بی جهت علیه کسی طرح دعوا شود. هیچ انسانی عاری از

خطا نیست اما من تلاش کردم علیه منتقدانی که انتقاداتی را بابت معیارهای متعارف از دولت می کنند طرح دعوا نشود مگر مسأله ای که خلاف واقع باشد و عنوان مجرمانه داشته باشد و شورای نظارت هم شکایت آن را ضروری ببیند. یعنی اگر اعلام خلاف واقع روی جامعه تأثیر نگذارد و هموار می آید تدرین لحن هائلیه دولت مطمح بوده است. اگر واقعاً دیدگاه دولت تند و بی اعتداف بود، انتقاد واعتراض به قوه مجریه، آسان و زیاد نبود. ولی با شما موافقم که باید حقوق مردم و این بیان در حد حاکم ممکن باشد.

■ **یعنی شما به صرف انتقاد از کسی مشخصاً فعال سیاسی پارسانه ای شکایت نکرده اید؟**

من نه به یاد ندارم که به صرف یک انتقاد بدون اینکه خلاف واقع باشد، شکایت کرده باشیم. در مورد جامعه مطبوعاتی بنای ما بر مسامحه است. درباره آن مواردی هم که شکایت می شود، برای ما راجع می آید. یعنی از ما خواسته می شود که شکایت کنیم. البته اگر جایی ببینیم که ضرورت ندارد توضیح می دهیم و همه تلاش خود را برای توجیه اینکه شکایت ضرورت ندارد، می کنیم. ولی باید بداند وقتی به کسی از اعضای دولت توهین می شود یا نیست ناروایی داده می شود در نهایی این حق است که صرف نظر بکند یا نکند. معاونت حقوقی همیشه در این موارد تلاش کرده تا در مرز تعادل، تساهل و میانه روی گام بردارد.

■ **شکایتی که اخیراً گفته شده از آقای حق شناس عضو شورای شهر تهران انجام شده از سوی شما بوده؟**

نه. با اطمینان به شما می گویم که از طرف معاونت حقوقی طرح شکایتی نشده است.

■ **در ماجرای موسوم به ملک جمران که مشخص شد دروغ بوده، لازم ندانستید از کسی شکایت کنید و همان روشنگری هایی که شده، کافی می دانستید؟**

اعلامات خلاف واقع و حتی اقدامات خلاف و بدون رای مرجع ذیصلاح وجود داشت ولی تا این لحظه شکایتی نکرده ایم. تنها چیزی که پیگیری کردیم این بود که در این ماجرا با ترتیبی عمل کنیم و راهکاری بدهیم که هم مجموعه تاریخی جمران محفوظ باشد، هم حقوق مردم، یعنی بدون آسیب به هویت تاریخی و فرهنگی در محدوده ای که لازم است، ضوابط خاص اعمال شود و در حل عین، حتماً حقوق مردم و تضییقات و محدودیت های احتمالی نسبت به مالکیت آنها هم جبران شود.

■ **شما به لوائح شفافیت و تعارض منافع اشاره کردید. به نظر می رسد یکی از چوه مشترک این لوائح از بین بردن برخی رزنه های فساد باشد. اخیراً هم در سازمان هلال احمر شفافیت را جزئی از حقوق شهروندی خواندید. این تأکید ببارزات شفافیت و فساد و حقوق مردم از کجا می آید؟**

بهبانه حضور در هلال احمر رزنمایی از مجموعه قوانینی بود که بخش حقوقی هال احمر با همکاری ماتنفیح کرده بود. آنجا این بحث را مطرح کردم که وقتی قوانین را نتفیح می کنید و آن را در اختیار مردم می گذارید، دو کار انجام می شود. اول داریم به مردم اطلاع رسانی می کنید و دوم اطلاعات صحیح را از ناصحیح جدا می کنید. پس همه نفس اطلاع رسانی و هم اطلاع رسانی صحیح از وظایف حاکمیت هستند. خود این هم پایه شفافیت است. الان کلی دستگاه داریم که هر کدام قوانین و مقرراتی مثلاً به شما می دهند دارند که اطلاع رسانی می کنند و نه روی سایت می گذارند. وقتی از شفافیت می بینیم این حرف می زنی که مردم بایستی باید و بنیادهایی را که متوجه آنهاست بتوانند به سادگی ویدرستی به دست آورند و بدانند. همه کسانی که در مقام تصمیم گیری هستند، دارند برای شما تعیین تکلیف می کنند. شما به عنوان شهروند حق دارید بداند این مرجع چیست، اعضایش چه کسانی هستند، صلاحیتش چیست، با کدام مستند قانونی تصمیم گرفته و چه طور در درباره شما نظر داده. بنابراین تمام هدف لایحه شفافیت این بود که فرآیند قانون گذاری، مقررات گذاری و تصمیم گیری و تصمیم سازی قضایی و اداری روشن در اختیار مردم باشد. مردم اگر مکلف به تکلیفی می شوند، باید بداند آن تکلیف چیست و آیا آن مرجع می توانسته برای آنها این تکلیف را بگذارد یا نه؟ این جلوی فساد را می گیرد. وقتی شما می دانید حقتان چیست و می دانید باید که نظارتی بر موضوع واگذاری در شما باشد، قانون می بکند می توانید به او تذکر دهید یا به مراجع قانونی تم رپرو مطرح رجعه کنید.

■ **این شفافیت شامل انتشار مشروح مذاکرات نهادهای هم می شود؟**
بله، همه اینها در لایحه آمده است. مثلاً اصول باید همه مراجع تصمیم گیری، مقررات گذاری و قانون گذاری، مصوبات و مشروح مذاکرات خود را در جایی منتشر کنند. ممکن است در مواردی مانند شورای عالی امنیت ملی یا دیگر مراجع و مسائل امنیتی، از این نوع شفافیت معاف شوند. در همه دنیا همین طور است. البته در این موارد هم باید ضوابطی که تعیین می کند نظارتی بر محتامنه است، معلوم شوند.

■ **مثلاً آیا مشروح مذاکرات شورای نگهبان در باره صلاحیت نامزدهای انتخابات شامل این معافیت می شود یا نه؟**

توجه کنید ما در شفافیت دو حوزه را باز کرده ایم و از هم تمیز دادیم؛ اول اطلاع رسانی به عموم و دوم اطلاع رسانی به ذینفع. لازم نیست اگر جایی به شما اتهامی زند، من به عنوان یک شهروند از آن با خبر شوم، اما خودتان باید خبر شهروندی می دانم.

داشته باشید. بنابراین دوم قله اطلاع رسانی برای عموم و اطلاع رسانی برای ذینفع فرق می کنند. یعنی یک جا اطلاع رسانی عام لازم است و یک جا اطلاع رسانی به ذینفعان. مثلاً در همین لایحه شفافیت پیش بینی کرده ایم مردم بتوانند به فایل اداری خود در دستگاه ها دسترسی داشته باشند و این طور نباشد که هر کسی بتواند در پرورنده شما چهار تا کاغذ بگذارد و مسائلی را متوجه شما بکند شما هم دسترسی و اطلاع نداشته باشید. لایحه مدیریت تعارض منافع هم چنین کار کردی دارد. یعنی شما فعالی هستید در حوزه مطبوعات و برای خودتان روزنامه و چاپخانه ای دارید و موقعیتی دارید. بعدش می بینند شما آدم موثقى بودید و می گویند عووش کنیم تا معاون وزیر را شاد شود. شما قبول می کنید و از آن به بعد می توانید برای مسائل مطبوعات تصمیماتی بگیرید. اینکه چه تصمیماتی بگیریم، کجا کمک کنیم، کجا بازانه بدهیم، کجا ندهیم، به چه کسی بدهیم و به چه کسی ندهیم، اینجا شاید در خیلی موارد شما در موقعیت تعارض منفعت خصوصی خودتان و منفعت عمومی قرار بگیرید. شما یک فعال مطبوعاتی بودید که برای خودتان بنگاه مطبوعاتی داشته اید. ولی الان در این مسند هستید. یک راهش این است که بگوییم هیچ کسی بیرون از دولت حق ندارد وارد دولت شود. اما چنین دولتی حتماً قی نخواهد بود.

دنیا الان به این نتیجه رسیده که باید در را باز کرد. کسی که توانایی داشته یک کسب و کار موثق را راه بیندازد، حتماً وقتی به دولت بیاید مسئولیتی بگیری می تواند مؤثر باشد. پس باید از فعالان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بخش خصوصی در حاکمیت استفاده کنیم. ولی باید بحث تعارض منافع را مدیریت کنیم. اگر تکمیل اینجامحل فساد است، چون اومی آید در مسند می نشیند و تصمیماتی می گیرد که ممکن است بیشتر گوشه چشم داشته باشد به بنگاه های که خودش دارد. راهکار این نیست که پای او را از بودن در حاکمیت قطع کنیم، راهکار این است که شما مثل دنیا یاد بگیرید که سازوکاری برای اداره کار و نظارت بر آن داشته باشید که در موقعیت احتمالی تعارض منفعت عمومی با منفعت خصوصی، مطمئن شوید به منفعت عمومی تقدم داده خود باشد. مثلاً در هر شورایی که به آدم شش و راهکاری بدهیم که هم مجموعه بنگاه شخصی اش مربوط می شود آن را اعلام کند. مقام بالاتر یا واحد هایی که برای این کار اختصاص یافته اند مشخص کنند که این فرد اصلاً در جلسه حاضر نباشد یا حاضر باشد اما حق رای نداشته باشد. این رویکرد زمینه فساد را از بین می برد. در معاونت حقوقی وقتی لایحه شفافیت و تعارض منافع را نوشتم، منتظر تصویب در دولت و مجلس نشدیم، خودمان بخشنامه دادیم و گفتیم که همه باید آن را رعایت کنند.

■ **از این توضیحات و تأکیدات شما درباره حقوق مردم کنایی به حقوق شهروندی می رزم. دستگیری حقوق شهروندی موقتا به معاونت حقوقی واگذار شده، در دولت یازدهم بیشتر تمرکز آقای روحانی بر بحث برجام و حوزه سیاست خارجی بود. اگرچه در حوزه داخلی هم امور جاری خود را انجام می داد. ولی در تبلیغات انتخاباتی میحت حقوق شهروندی بسیار مطرح شد. آیا حقوق شهروندی با اتفاقاتی که رخ داده به حاشیه رفته یا اولویت های دولت عوض شده؟**

فکر این نیست که حقوق شهروندی به حاشیه برود. چون آقای رئیس جمهوری همواره گزارش هایی را از دستگاه های مختلف در مورد همین موضوع می خواهند. ولی شاید بتوانم بگویم مقداری جهت گیری حقوق شهروندی اقتصاد و اجتماعی شده است. الان بیشتر به دلیل فشار بسیار سنگینی که تحریم ها و پس از آن شیوع ویرس کرونا و مسأله بیکاری بر کشور وارد آورد، بحث حقوق اقتصادی مرکز توجه دولت واقع شده است. دولت نباید بیشترین تکلیف می خود را برای تأمین حقوق اقتصادی و کسب و کار مردم انجام دهد. خود ما هم در معاونت حقوقی کمیته کسب و کار راه انداخته ایم تا یک تمرکز مضاعفی در این خصوص داشته باشیم. ما هم هیچ وقت از کل فصل سوم قانون اساسی غافل نشده ایم. در همه مواردی که به ما راجع می شود حقوق ملت و تعارض منافع، من یک نگاه پیش هم وقتی مسائل برخی از دانشجویان دانشگاه آزاد به ما راجع شد، دستور العمل وزارتخانه های علوم و بهداشت و دانشگاه آزاد اسلامی را بنفع عدم تبعیض در حوزه حق تحصیل و به طور مشخص در اختیار دانشجویان بیاگذاریم با آنها توانی پیشنهاد های مبتنی بر قانون اساسی اصلاح کردیم و بهبود بدیم. شاید به عنوان مثالی دیگر، سال ها بود که مسأله صدور کارت ملی هوشمند برای ایرانیان خارج از کشور به دلیل اختلاف دیدگاه دو وزارتخانه اجرایی نمی شد. کار تکمیلی که جزو اسناد هویتی و پیش شرط استیفای خیلی از حقوق و امتیازات مردم است هم از حقوق شهروندی است. به هر حال اینها اتباع و شهروندان ایران هستند و اولویت که یک جای دیگر نگذاشتیم زندگی می کنند. به دلیل یک دسته مشکلاتی که از لحاظ فنی و حقوقی و احتمالاً مالی هم وجود داشت کارت ملی هوشمند این افراد متوقف بود و ما دستگاه های مختلف اعم از وزارت خارجه، کشور و ثبت احوال را دعوت کردیم و با همکاری خودشان راهکار دقیقی پیدا کردیم. من این ها را قدم های مهم برای تأمین حق شهروندی می دانم.

■ **من مخالف بیانات شما نیستم، ولی وقتی بحث حقوق شهروندی می کنیم یک نگاه خیلی موسع همچون شما می توانیم داشته باشیم که بر این اساس هر اتفاقی که در دولت می افتد و به نفع مردم است در راستای حقوق شهروندی**

تعریف کنیم. یعنی آقای رنگنه هم می تواند بگوید در بنزین خود گذاشیم و این هم مصداق حقوق شهروندی است. ولی حقوق شهروندی، با توجه به مطالبات مردم در زمان انتخابات و وعده های رئیس جمهوری، ناظر بر یک سری حوزه های فرهنگی و سیاسی هم هست.

شما باید همه منشور حقوق شهروندی را بخوانید. در حقوق وآزادی های ملت در فصل سوم قانون اساسی، همه آزادی ها وجود دارد و منشور هم شامل همه حقوق وآزادی های می شود؛ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی همه با هم است. اما می دانم که در آن حوزه ای که مد نظر شماست مثلاً حوزه سیاسی اگر بخواهیم آنها را زیاده از حد رسانه ای کنیم عملاً به نتیجه نمی رسد و بیشتر تعارض منافع و وزیر را جوی تعامل قوایباری رفع این مشکل می شود. برای همین است که ما بسیاری از کارهایی که انجام می دهیم حتی تذکرات قانون اساسی را مطابق نظر رئیس جمهوری سعی می کنیم، با قیید محرمانه باشد.

■ **ملاحظه شما قابل درک است. اما این اطمینان را به مخاطبان ما می دهید که در این حوزه ما بدون سر و سود دولت به رعایت وتأمین حقوق شهروندی توجه داشته است؟**

بدون تردید. ■ **مثلاً در مورد اتفاقاتی همچون بازداشت برخی چهره های سیاسی و روزنامه نگاران؟**
برای غالب این موضوعات به طور مرتب مکاتباتی انجام شده. مرتب پیگیری ها و ملاقات هایی انجام گرفته و عندالافتضا تذکراتی هم داده شد. ■ **نامه نگاری ها و جلسات و رایزنی ها انجام شده؟ با حضور مقامات قضایی؟**
بدون شک انجام شد. اصلاً تردید نکنید.

■ **نتایج مثبتی هم داشته؟**
در خیلی از موارد تا حدی یله؛ به نتایج معقولی رسیدیم. البته همیشه همه آنچه شما مدنظر دارید، تحصیل حقی نیست. ممکن است کار و نظارت بر آن داشته باشید که در موقعیت احتمالی تعارض منفعت عمومی با منفعت خصوصی، مطمئن شوید به منفعت عمومی تقدم داده خود باشد. مثلاً در هر شورایی که به آدم شش و راهکاری بدهیم که هم مجموعه بنگاه شخصی اش مربوط می شود آن را اعلام کند. مقام بالاتر یا واحد هایی که برای این کار اختصاص یافته اند مشخص کنند که این فرد اصلاً در جلسه حاضر نباشد یا حاضر باشد اما حق رای نداشته باشد. این رویکرد زمینه فساد را از بین می برد. در معاونت حقوقی وقتی لایحه شفافیت و تعارض منافع را نوشتم، منتظر تصویب در دولت و مجلس نشدیم، خودمان بخشنامه دادیم و گفتیم که همه باید آن را رعایت کنند.

■ **از این توضیحات و تأکیدات شما درباره حقوق مردم کنایی به حقوق شهروندی می رزم. دستگیری حقوق شهروندی موقتا به معاونت حقوقی واگذار شده، در دولت یازدهم بیشتر تمرکز آقای روحانی بر بحث برجام و حوزه سیاست خارجی بود. اگرچه در حوزه داخلی هم امور جاری خود را انجام می داد. ولی در تبلیغات انتخاباتی میحت حقوق شهروندی بسیار مطرح شد. آیا حقوق شهروندی با اتفاقاتی که رخ داده به حاشیه رفته یا اولویت های دولت عوض شده؟**

فکر این نیست که حقوق شهروندی به حاشیه برود. چون آقای رئیس جمهوری همواره گزارش هایی را از دستگاه های مختلف در مورد همین موضوع می خواهند. ولی شاید بتوانم بگویم مقداری جهت گیری حقوق شهروندی اقتصاد و اجتماعی شده است. الان بیشتر به دلیل فشار بسیار سنگینی که تحریم ها و پس از آن شیوع ویرس کرونا و مسأله بیکاری بر کشور وارد آورد، بحث حقوق اقتصادی مرکز توجه دولت واقع شده است. دولت نباید بیشترین تکلیف می خود را برای تأمین حقوق اقتصادی و کسب و کار مردم انجام دهد. خود ما هم در معاونت حقوقی کمیته کسب و کار راه انداخته ایم تا یک تمرکز مضاعفی در این خصوص داشته باشیم. ما هم هیچ وقت از کل فصل سوم قانون اساسی غافل نشده ایم. در همه مواردی که به ما راجع می شود حقوق ملت و تعارض منافع، من یک نگاه پیش هم وقتی مسائل برخی از دانشجویان دانشگاه آزاد به ما راجع شد، دستور العمل وزارتخانه های علوم و بهداشت و دانشگاه آزاد اسلامی را بنفع عدم تبعیض در حوزه حق تحصیل و به طور مشخص در اختیار دانشجویان بیاگذاریم با آنها توانی پیشنهاد های مبتنی بر قانون اساسی اصلاح کردیم و بهبود بدیم. شاید به عنوان مثالی دیگر، سال ها بود که مسأله صدور کارت ملی هوشمند برای ایرانیان خارج از کشور به دلیل اختلاف دیدگاه دو وزارتخانه اجرایی نمی شد. کار تکمیلی که جزو اسناد هویتی و پیش شرط استیفای خیلی از حقوق و امتیازات مردم است هم از حقوق شهروندی است. به هر حال اینها اتباع و شهروندان ایران هستند و اولویت که یک جای دیگر نگذاشتیم زندگی می کنند. به دلیل یک دسته مشکلاتی که از لحاظ فنی و حقوقی و احتمالاً مالی هم وجود داشت کارت ملی هوشمند این افراد متوقف بود و ما دستگاه های مختلف اعم از وزارت خارجه، کشور و ثبت احوال را دعوت کردیم و با همکاری خودشان راهکار دقیقی پیدا کردیم. من این ها را قدم های مهم برای تأمین حق شهروندی می دانم.

بخشی از آن توصیه های رئیس جمهوری بوده ولی بخش های قابل توجهی هم ابتکاری و از سوی ما بوده است. ■ **آقای روحانی ۲۹ خرداد ماه دستوری درباره تهیه بعضی لوائح به شما دادند و همانجا خواستند که گزارشی از اجرای قانون اساسی تهیه کنید. در ابتدا هم به معاونت اجرای قانون اساسی در مجموعه خودتان اشاره کردید. بفرمایید این معاونت چه می کرد؟**

این معاونت در دولت های مختلف وجود داشته است. گاهی اوقات برایش مسئولی گذاشتند و گاهی اوقات هم نه. در دولت یازدهم آقای رئیس جمهوری حسب طبع حقوقی، این کار را به معاونت حقوقی واگذار کردند. اصل معاونت (یعنی معاونت اجرای قانون اساسی) به معاون حقوقی رئیس جمهوری تفویض شده است. یعنی اگر کار به معاون حقوقی رئیس جمهوری معاون اجرای قانون اساسی می هست، چون تمام اختیارات و وظایف آن تفویض شده است، زیر مجموعه معاونت قانون اساسی دو معاونت است، یکی ترویج و پژوهش در قانون اساسی دیگری معاونت ارتباطات و پیگیری قانون اساسی. پیش از این، کسی در این دو معاونت بر مسند نداشتند.

من همان اوایل که آمدم دو معاون بر این یان دو کرسی منصوب کردم و تخصص هر دو نفر دقیقاً همین حوزه است و در دو دانشگاه اصلی کشور در همین حوزه سمت های علمی دارند. به کمک

این دو معاونت تعداد قابل ملاحظه ای از لوائح مربوط به حقوق وآزادی های مردم را فراهم کردیم. لایحه نظارت بر انتخابات، لایحه آزادی اجتماعات و راهیمایی ها، لایحه حق بر آموزش، لایحه ایجاد نهاد ملی حقوق بشر و شهروندی، لایحه حدود وظایف اختیارات و مسئولیت های رئیس جمهوری و بسیاری لوائح دیگر را نوشتمی و ارائه دادیم. جدای از این لوائح بیش از ۳۰ مورد تهیه یا تذکر قانون اساسی هم از طرف رئیس جمهوری انجام شد که بیشتر آن مربوط به حقوق مردم بود. این تذکرات هم به وزارتخانه ها و زیرمجموعه های آنها داده شد و هم در مواردی به قوا و نهادهای حکومتی دیگر.

■ **در انتخابات مجلس یازدهم آقای رئیس جمهور یکی از منتقدان اصلی کیفیت برگزاری انتخابات بود و بر اساس آن انتقادات می توان استنباط کرد که از نظر ایشان ملاحظات قانون اساسی در برگزاری انتخابات شاید آنگونه که بایسته و شایسته بوده مراعات نشده است. آیا آقای روحانی درباره انتخابات خطر قانون اساسی دادند؟**

ایشان اقدامات و مکاتبات را انجام داده اند. من در این مورد آگاهی دارم اما چون ایشان مقید به محرمانگی این موضوع بودند وارد جزئیات نمی شوم.

■ **مخاطب اختطار هادیر شورای نگهبان بودند یا نه؟ دیگری؟**

این هم بخشی از محرمانگی است. به هر حال رئیس جمهوری تمام تهیه های لازم را داده اند. این اطمنان را می دم که در شفافیت در مورد همین نگرانی های شما مکاتبه کرده اند.

■ **موضوع نگرتانی من که نیست...**

می دانم؛ نگرانی شهروندان است. شما احتمالاً آگاه باشید که ایشان مکاتبات لازم را انجام داده اند. ممکن است که بگویید شهروندان به این روش ایشان که در این گونه مسائل قید محرمانگی را انتخاب می کنند انتقاد دارند؛ حق شهروندان است که انتقاد کنند اما شاید بر اساس

■ **بخش های زیادی از آن هشدارها درباره تبعات نپذیرفتن لوائح**

اف ای تی اف متأسفانه اتفاق افتاده و محقق شده است. ما گرفتار محدودیت های بیبشره شدیم، فراموش نکنید الان اقدامات مقابله ای که برگردانده شده، نتوجه اجرای آنها به صلاح دید دولت هاست و بنابراین دست آنها باز تر است. اما ممکن است در چند اجلاس بعدی درباره نحوه اعمال هم ورود کنند و گروه اقدام مالی به طور دقیق محدودیت ها را مشخص کند. یعنی دولت ها را ملزم به انجام مواردی می کند که محدود کننده تر هستند

■ **بیش از ۳۰ مورد تهیه یا تذکر قانون اساسی از طرف رئیس جمهوری انجام شد که بیشتر آن مربوط به حقوق مردم بود. این تذکرات هم به وزارتخانه ها و زیرمجموعه های آنها داده شد و هم در مواردی به قوا و نهادهای حکومتی دیگر. در مورد انتخابات مجلس یازدهم هم رئیس جمهور اقدامات و مکاتبات و تذکر قانون اساسی را انجام داده اند همچنانکه در باره بازداشت برخی چهره های سیاسی و روزنامه نگاران و حتی اتفاقات آگاه ماه پیگیری، مکاتبه و عندالافتضا تذکر داشته اند**

■ **یکی از شرکت های دولتی که خصوصی سازی شده، آمده مدعی ۲۵ هزار هکتار زمین شده در حالی که در فهرست اموال موضوع واگذاری نبوده است. بنابراین رفته اند مصوبه ای که این زمین ها را از موضوع واگذاری جدا و استثناء کرده، ابطال کنند تا بتوانند این زمین را مالک شوند. اما ما محکم ایستادیم و جلوی آن را در مرحله اول گرفتیم. در موردی دیگر متوجه شدیم نهادی برای یک تفهیه ملی بسیار مهم رفته حتی سند هم گرفته است. دعوی ابطالش را مطرح کردیم و پیگیر هستیم**

تنهایی حتی از آنچه مدنظر دارد به دست بیاورید. ولی واقعاً پیگیری ها انجام شده است، شما تذکره نکنید همه مدل پیگیری اعم از پیگیری برای قانون گذاری و مقررات گذاری و محل های امن و افرادی که آسیب دیدند و همچنین پیگیری در فرض نبود تناسب جرم با مجازات به عمل آمده است. جلسات خیلی زیادی برگزار شد. در هیأت دولت هم پیگیری کردم. حتی در جلسه ای که با عالی ترین مقامات قضایی داشتم، مسائل را مطرح کردم.

■ **این پیگیری ها مختص شخص شماسست یا دستور و توصیه های رئیس جمهوری هم بوده است؟**

بخشی از آن توصیه های رئیس جمهوری بوده ولی بخش های قابل توجهی هم ابتکاری و از سوی ما بوده است.

■ **آقای روحانی ۲۹ خرداد ماه دستوری درباره تهیه بعضی لوائح به شما دادند و همانجا خواستند که گزارشی از اجرای قانون اساسی تهیه کنید. در ابتدا هم به معاونت اجرای قانون اساسی در مجموعه خودتان اشاره کردید. بفرمایید این معاونت چه می دهم؟**

این معاونت در دولت های مختلف وجود داشته است. گاهی اوقات برایش مسئولی گذاشتند و گاهی اوقات هم نه. در دولت یازدهم آقای رئیس جمهوری حسب طبع حقوقی، این کار را به معاونت حقوقی واگذار کردند. اصل معاونت (یعنی معاونت اجرای قانون اساسی) به معاون حقوقی رئیس جمهوری تفویض شده است. یعنی اگر کار به معاون حقوقی رئیس جمهوری معاون اجرای قانون اساسی می هست، چون تمام اختیارات و وظایف آن تفویض شده است، زیر مجموعه معاونت قانون اساسی دو معاونت است، یکی ترویج و پژوهش در قانون اساسی دیگری معاونت ارتباطات و پیگیری قانون اساسی. پیش از این، کسی در این دو معاونت بر مسند نداشتند.

هم همان اوایل که آمدم دو معاون بر این یان دو کرسی منصوب کردم و تخصص هر دو نفر دقیقاً همین حوزه است و در دو دانشگاه اصلی کشور در همین حوزه سمت های علمی دارند. به کمک

که مثلاً یک نفر معترض است و می گوید که حق من زیر پا گذاشته شده است، این نوع پیگیری هادر شما مورد توجه شده است.

■ **سال آینده انتخابات را در پیش داریم و لایحه جامع انتخابات هنوز به جایی نرسیده است. این نکته مهم است که مجلسی هاهم اقدام به اصلاح قانون انتخابات در دست اقدام دارد. دهم طرح هایی در این خصوص داشت که در شورای نگهبان رد شد. با وجود لایحه جامع انتخابات، مجلس جدید هم طرح هایی برای اصلاح قانون انتخابات در دست اقدام دارد. فارغ از اینکه این طرح ها به سرانجام برسد یا نه، هیچ کدام اشاره ای به موضوع ابهام بر سر راجل سیاسی» نشده و تکلیف اینک زسان می توانند نامزد انتخابات ریاست جمهوری شوند روشن نشده. پیشنهاد شما به عنوان یک حقوق دان برای حل این موضوع چیست؟**

کلمه راجل در فرهنگ سیاسی به معنی شخصیت است و منطق ساده اقتصادی می کند که در فعالیت حرفه ای سیاسی مثل انتخابات ریاست جمهوری این کلمه حمل بر همین معنی شود. اگر شورای نگهبان معتقد به این است که حق رای معنی لغوی دارد باید نظریه می داد و آن را اعلام می کرد. ولی هیچ وقت این را نگفته علاوه بر اینکه اساساً کلمات در حوزه حقوق در معنای لغوی صرف مورد توجه قرار نمی گیرند. به هر حال، اصل بر جواز است، منع دلیل می خواهد. اصلاً از نظر حقوقی احساس نمی کنم که نیازی به استعمال و پاسخ وجود داشته باشد. قانون باید بدون شبهه باشد. اما اگر کسی شبهه ای مطرح کرد باید در درجه اول شبهه را بنفع قاعده کلی حل کنیم مثل قاعده جواز یا با حه برائت و... نه اینکه در فرض شبهه مقرره استثنایی بدهیم. البته در این مورد خاص علاوه بر قاعده کلی مثل جواز، قراین و شواهد هم همین دیدگاه را تأیید می کنند. برای مثال، در مشروح مذاکرات قانون اساسی این مسأله بحث شده. اول کلمه مرد بودن در شرایط کاندیدای های ریاست جمهوری مطرح شده که مورد ایراد قرار گرفت. اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی پس از بحث و شور آن را برداشتند و این گونه نوشتند که دقیقاً به معنی عدول از شرط مربوط به جنسیت است. اخبار این در رفته شیعه هم که خیلی سنگینی بودند و اصل را بر احتیاط می گذاشتند، تنها یک جا های خاصی ممکن بود که محدودیت بگذارند. از یک سو، مقام ریاست جمهوری یک مقام مذهبی نیست، یک مقام در ساختار عرفی سیاسی است و برای همین در خیلی از نظام های حقوقی دنیا این مقام وجود دارد پس اینجا مصداق آن دنیا خاص نمی تواند باشد. از سوی دیگر دو دلیل مهمتر این است که مکنت باقی از نظر قاعده ای، به مکنت مسلط فقهی (مشخصاً اصول فقه و متدولوژی حقوق اسلام)، در مقام «اصولی» است نه اجرائی، اصولیون در شبهه حکمیه، اصل را بر برائت گذاشتند. یعنی می گویند اگر تردید دارید که یک چیزی مجاز است یا ممنوع، اصل بر جواز است. اگر شما در وجود یک موضوع تردید دارید، اصل بر عدم الزام است. اگر در وجود یک حرمت و الزام به ترک فعل، تردید دارید، اصل بر عدم حرمت است. یعنی اصل بر منع نیست. ما هم معتقدیم نامزدی زن مانع معنی ندارد، دلیل نمی خواهیم بلکه آن کسی که چنین اعتقادی دارد باید مستند بدهد. حال اینکه در عمل این اتفاق نیفتاده است تاکنون یک چنین کاندیدایی نداشته ایم. دلیلش را از مراجع مربوط پرسید. البته شنیدم که پاسخ داده شده از میان بانوان کسی را که حائز همه آن شرایط ذکر شده در اصل قانون اساسی باشد، پیدا نکردیم. به هر حال، آنها هم معتقدند نامزدی زن مانع ممنوع است باید دلیل بیاورند و اثبات کنند.

■ **به نظر می رسد که کار می که شما در معاونت حقوقی انجام می دهید بخش زیادی از آن به قانون شدن در این دولت هم نرسد. ولی به هر حال یک ریل گذاری هایی هست که فقط منافع دولت مستقر را نمی بیند بلکه نگاه جامع و ملی دارد. یک سال دیگر مردم این دولت به پای می رسد. در شرایطی هستیم که مشکلات اقتصادی و معیشت مردم بیشتر محل توجه است. چه مسأله در این باره معلوم شود که این اقدامات چقدر میسر بوده است. ناظر بر توضیحات مبسوطی که دادید فکر می کنید میراثی که آقای روحانی از خود و دولتش برای آیند می گذارد چیست؟**
آنچه از این دولت تلاش کردیم قانون اساسی را مهم کنیم، واقعاً مهم است و با هر نقدی که به ما وارد است فکرمی کنیم که تا حدودی هم موفق بوده ایم. در دولت دوازدهم به صورت خاص این حوزه را جدی گرفتیم و در هر دو معاونت فعالیت به خود راه کردیم. سعی کردیم بگوییم اصل حاکمیت قانون است و اهمیت دارد. سعی کردیم جابیندازی که قانون اساسی میثاق ملی است، با هر انتقادی که ممکن است در این قانون وارد باشد، این میراث به جای مانده از حرکت بزرگ اجتماعی و سیاسی مشروطه در سال ۱۲۸۵ را حرکت بزرگ اجتماعی و سیاسی مردم در سال ۱۳۵۷ است و تا ما سعی کردیم که اهمیت این میراث را به یاد آوریم و سعی فکرمی کنیم که تا حدی توفیق داشته ایم. دوم اینکه ما سعی کردیم از درون گفتمان قانون اساسی، گفتمان فصل سوم یعنی حقوق وآزادی های مردم را ترویج کنیم و برای این فصل چون به نوعی فلسفه حکومت داری و هدف غایی کشور داری را ایجاد ساختار دنیوانی است، نسبت به دیگر فصول اصول قانون اساسی تفوق معنوی و ماهوی قائل شدیم؛ چنانکه از درون همین فصل، منشور حقوق شهروندی بیرون آمد. به هر نقدی که شما ممکن است به آن داشته باشید، این گفتمان ایجاد شده است. ولی در جای خود با نهادهای غیر دولتی ابطال این منشور را خواستند و دفاع کردیم و دیوان عدالت هم هیچ موردی را مغایر قانون اساسی یا قانون عادی تشخیص نداد. ■ **از بیرون دیوان فشار وارد شد؟**

از بیرون در خواست ابطال داشتند و ثبت قانون اساسی و سایر قوانین خواستند که اشتباه است. ما ساند اصلاح و توسعه نظام حقوقی هم نوشتمیم که این هم برزودی آماده می شود. هدفمان این بوده که بنیادهای نظام حقوقی را تقویت کنیم. ما برای اجرای حقوق ملت قدم به قدم لایحه نوشتمیم. لایحه شفافیت در راستای فصل سوم منشور حقوق بشر وروندی است. لایحه مدیریت تعارض منافع و آزادی اجتماعات و تابعیت مادر به فرزند هم همین طور بوده. پیش نویس این نامه هایی را هم برای تسهیل اجرای حقوق اقتصادی و اجتماعی مردم تهیه کردیم. بنابراین ما یک ساختار منظمی را در این مورد ارائه دادیم. فکرمی کنیم اینها در حد یک میراث، بر جای خواهد ماند. جدیت در حفظ حقوق عمومی و اموال دولتی به عنوان راهور دی از این دولت بر جای خواهد ماند چه در مراجع قضایی داخلی و چه در مراجع بین المللی. دفاع از حقوق ملت در مجامع بین المللی هم بخشی از میراث این دولت خواهد بود. اما جسات کردیم و علیه آمریکا به دادگاه بین المللی شکایت کردیم. منظورم مجموع سازمان حقوقی دولت است. ممکن است بگویید این کار نقص دارد، بله این نقد ممکن است وارد باشد. در خیلی از مسائل حقوقی و دعاوی داخلی و بین المللی این نقض ها دیده می شود. بخشی از نقده به ساختار حقوق بین الملل و راسایی های آن و حتی اثرات مناسبات قدر سیاسی بر آن برمی گردد و بخشی دیگر به ساختار اداری کشور در زمینه ارائه خدمات حقوقی پیوزده خدمات حقوقی بین المللی که قبلاً اشاره شد. اما بالاخره قدمی با دستور موقت ولو به این نقد ممکن است وارد باشد. این قدم کمتر از مسائل حقوقی و دعاوی داخلی و بین المللی این نقض ها دیده می شود. بخشی از نقده به ساختار حقوق بین الملل و راسایی های آن و حتی اثرات مناسبات قدر سیاسی بر آن برمی گردد و بخشی دیگر به ساختار اداری کشور در زمینه ارائه خدمات حقوقی پیوزده خدمات حقوقی بین المللی که قبلاً اشاره شد. اما بالاخره قدمی با دستور موقت ولو به این نقد ممکن است وارد باشد. این قدم کمتر از مسائل حقوقی و دعاوی داخلی و بین المللی این نقض ها دیده می شود. بخشی از نقده به ساختار حقوق بین الملل و راسایی های آن و حتی اثرات مناسبات قدر سیاسی بر آن برمی گردد و بخشی دیگر به ساختار اداری کشور در زمینه ارائه خدمات حقوقی پیوزده خدمات حقوقی بین المللی که قبلاً اشاره شد. اما بالاخره قدمی با دستور موقت ولو به این نقد ممکن است وارد باشد. این قدم کمتر از مسائل حقوقی و دعاوی داخلی و بین المللی این نقض ها دیده می شود. بخشی از نقده به ساختار حقوق بین الملل و راسایی های آن و حتی اثرات مناسبات قدر سیاسی بر آن برمی گردد و بخشی دیگر به ساختار اداری کشور در زمینه ارائه خدمات حقوقی پیوزده خدمات حقوقی بین المللی که قبلاً اشاره شد. اما بالاخره قدمی با دستور موقت ولو به این نقد ممکن است وارد باشد. این قدم کمتر از مسائل حقوقی و دعاوی داخلی و بین المللی این نقض ها دیده می شود. بخشی از نقده به ساختار حقوق بین الملل و راسایی های آن و حتی اثرات مناسبات قدر سیاسی بر آن برمی گردد و بخشی دیگر به ساختار اداری کشور در زمینه ارائه خدمات حقوقی پیوزده خدمات حقوقی بین المللی که قبلاً اشاره شد. اما بالاخره قدمی با دستور موقت ولو به این نقد ممکن است وارد باشد. این قدم کمتر از مسائل حقوقی و دعاوی داخلی و بین المللی این نقض ها دیده می شود. بخشی از نقده به ساختار حقوق بین الملل و راسایی های آن و حتی اثرات مناسبات قدر سیاسی بر آن برمی گردد و بخشی دیگر به ساختار اداری کشور در زمینه ارائه خدمات حقوقی پیوزده خدمات حقوقی بین المللی که قبلاً اشاره شد. اما بالاخره قدمی با دستور موقت ولو به این نقد ممکن است وارد باشد. این قدم کمتر از مسائل حقوقی و دعاوی داخلی و بین المللی این نقض ها دیده می شود. بخشی از نقده به ساختار حقوق بین الملل و راسایی های آن و حتی اثرات مناسبات قدر سیاسی بر آن برمی گردد و بخشی دیگر به ساختار اداری کشور در زمینه ارائه خدمات حقوقی پیوزده خدمات حقوقی بین المللی که قبلاً اشاره شد. اما بالاخره قدمی با دستور موقت ولو به این نقد ممکن است وارد باشد. این قدم کمتر از مسائل حقوقی و دعاوی داخلی و بین المللی این نقض ها دیده می شود. بخشی از نقده به ساختار حقوق بین الملل و راسایی های آن و حتی اثرات مناسبات قدر سیاسی بر آن برمی گردد و بخشی دیگر به ساختار اداری کشور در زمینه ارائه خدمات حقوقی پیوزده خدمات حقوقی بین المللی که قبلاً اشاره شد. اما بالاخره قدمی با دستور موقت ولو به این نقد ممکن است وارد باشد. این قدم کمتر از مسائل حقوقی و دعاوی داخلی و بین المللی این نقض ها دیده می شود. بخشی از نقده به ساختار حقوق بین الملل و راسایی های آن و حتی اثرات مناسبات قدر سیاسی بر آن برمی گردد و بخشی دیگر به ساختار اداری کشور در زمینه ارائه خدمات حقوقی پیوزده خدمات حقوقی بین المللی که قبلاً اشاره شد. اما بالاخره قدمی با دستور موقت ولو به این نقد ممکن است وارد باشد. این قدم کمتر از مسائل حقوقی و دعاوی داخلی و بین المللی این نقض ها دیده می شود. بخشی از نقده به ساختار حقوق بین الملل و راسایی های آن و حتی اثرات مناسبات قدر سیاسی بر آن برمی گردد و بخشی دیگر به ساختار اداری کشور در زمینه ارائه خدمات حقوقی پیوزده خدمات حقوقی بین المللی که قبلاً اشاره شد. اما بالاخره قدمی با دستور موقت ولو به این نقد ممکن است وارد باشد. این قدم کمتر از مسائل حقوقی و دعاوی داخلی و بین المللی این نقض ها دیده می شود. بخشی از نقده به ساختار حقوق بین الملل و راسایی های آن و حتی اثرات مناسبات قدر سیاسی بر آن برمی گردد و بخشی دیگر به ساختار اداری کشور در زمینه ارائه خدمات حقوقی پیوزده خدمات حقوقی بین المللی که قبلاً اشاره شد. اما بالاخره قدمی با دستور موقت ولو به این نقد ممکن است وارد باشد. این قدم کمتر از مسائل حقوقی و دعاوی داخلی و بین المللی این نقض ها دیده می شود. بخشی از نقده به ساختار حقوق بین الملل و راسایی های آن و حتی اثرات مناسبات قدر سیاسی بر آن برمی گردد و بخشی دیگر به ساختار اداری کشور در زمینه ارائه خدمات حقوقی پیوزده خدمات حقوقی بین المللی که قبلاً اشاره شد. اما بالاخره قدمی با دستور موقت ولو به این نقد ممکن است وارد باشد. این قدم کمتر از مسائل حقوقی و دعاوی داخلی و بین المللی این نقض ها دیده می شود. بخشی از نقده به ساختار حقوق بین الملل و راسایی های آن و حتی اثرات مناسبات قدر سیاسی بر آن برمی گردد و بخشی دیگر به ساختار اداری کشور در زمینه ارائه خدمات حقوقی پیوزده خدمات حقوقی بین المللی که قبلاً اشاره شد. اما بالاخره قدمی با دستور موقت ولو به این نقد ممکن است وارد باشد. این قدم کمتر از مسائل حقوقی و دعاوی داخلی و بین المللی این نقض ها دیده می شود. بخشی از نقده به ساختار حقوق بین الملل و راسایی های آن و حتی اثرات مناسبات قدر سیاسی بر آن برمی گردد و بخشی دیگر به ساختار اداری کشور در زمینه ارائه خدمات حقوقی پیوزده خدمات حقوقی بین المللی که قبلاً اشاره شد. اما بالاخره قدمی با دستور موقت ولو به این نقد ممکن است وارد باشد. این قدم کمتر از مسائل حقوقی و دعاوی داخلی و بین المللی این نقض ها دیده می شود. بخشی از نقده به ساختار حقوق بین الملل و راسایی های آن و حتی اثرات مناسبات قدر سیاسی بر آن برمی گردد و بخشی دیگر به ساختار اداری کشور در زمینه ارائه خدمات حقوقی پیوزده خدمات حقوقی بین المللی که قبلاً اشاره شد. اما بالاخره قدمی با دستور موقت ولو به این نقد ممکن است وارد باشد. این قدم کمتر از مسائل حقوقی و دعاوی داخلی و بین المللی این نقض ها دیده می شود. بخشی از نقده به ساختار حقوق بین الملل و راسایی های آن و حتی اثرات مناسبات قدر سیاسی بر آن برمی گردد و بخشی دیگر به ساختار اداری کشور در زمینه ارائه خدمات حقوقی پیوزده خدمات حقوقی بین المللی که قبلاً اشاره شد. اما بالاخره قدمی با دستور موقت ولو به این نقد ممکن است وارد باشد. این قدم کمتر از مسائل حقوقی و دعاوی داخلی و بین المللی این نقض ها دیده می شود. بخشی از نقده به ساختار حقوق بین الملل و راسایی های آن و حتی اثرات مناسبات قدر سیاسی بر آن برمی گردد و بخشی دیگر به ساختار اداری کشور در زمینه ارائه خدمات حقوقی پیوزده خدمات حقوقی بین المللی که قبلاً اشاره شد. اما بالاخره قدمی با دستور موقت ولو به این نقد ممکن است وارد باشد. این قدم کمتر از مسائل حقوقی و دعاوی داخلی و بین المللی این نقض ها دیده می شود. بخشی از نقده به ساختار حقوق بین الملل و راسایی های آن و حتی اثرات مناسبات قدر سیاسی بر آن برمی گردد و بخشی دیگر به ساختار اداری کشور در زمینه ارائه خدمات حقوقی پیوزده خدمات حقوقی بین المللی که قبلاً اشاره شد. اما بالاخره قدمی با دستور موقت ولو به این نقد ممکن است وارد باشد. این قدم کمتر از مسائل حقوقی و دعاوی داخلی و بین المللی این نقض ها دیده می شود. بخشی از نقده به ساختار حقوق بین الملل و راسایی های آن و حتی اثرات مناسبات قدر سیاسی بر آن برمی گردد و بخشی دیگر به ساختار اداری کشور در زمینه ارائه خدمات حقوقی پیوزده خدمات حقوقی بین المللی که قبلاً اشاره شد. اما بالاخره قدمی با دستور موقت ولو به این نقد ممکن است وارد باشد. این قدم کمتر از مسائل حقوقی و دعاوی داخلی و بین المللی این نقض ها دیده می شود. بخشی از نقده به ساختار حقوق بین الملل و راسایی های آن و حتی اثرات مناسبات قدر سیاسی بر آن برمی گردد و بخشی دیگر به ساختار اداری کشور در زمینه ارائه خدمات حقوقی پیوزده خدمات حقوقی بین المللی که قبلاً اشاره شد. اما بالاخره قدمی با دستور موقت ولو به این نقد ممکن است وارد باشد. این قدم کمتر از مسائل حقوقی و دعاوی داخلی و بین المللی این نقض ها دیده می شود. بخشی از نقده به ساختار حقوق بین الملل و راسایی های آن و حتی اثرات مناسبات قدر سیاسی بر آن برمی گردد و بخشی دیگر به ساختار اداری کشور در زمینه ارائه خدمات حقوقی پیوزده خدمات حقوقی بین المللی که قبلاً اشاره شد. اما بالاخره قدمی با دستور موقت ولو به این نقد ممکن است وارد باشد. این قدم کمتر از مسائل حقوقی و دعاوی داخلی و بین المللی این نقض ها دیده می شود. بخشی از نقده به ساختار حقوق بین الملل و راسایی های آن و حتی اثرات مناسبات قدر سیاسی بر آن برمی گردد و بخشی دیگر به ساختار اداری کشور در زمینه ارائه خدمات حقوقی پیوزده خدمات حقوقی بین المللی که قبلاً اشاره شد. اما بالاخره قدمی با دستور موقت ولو به این نقد ممکن است وارد باشد. این قدم کمتر از مسائل حقوقی و دعاوی داخلی و بین المللی این نقض ها دیده می شود. بخشی از نقده به ساختار حقوق بین الملل و راسایی های آن و حتی اثرات مناسبات قدر سیاسی بر آن برمی گردد و بخشی دیگر به ساختار اداری کشور در زمینه ارائه خدمات حقوقی پیوزده خدمات حقوقی بین المللی که قبلاً اشاره شد. اما بالاخره قدمی با دستور موقت ولو به این نقد ممکن است وارد باشد. این قدم کمتر از مسائل حقوقی و دعاوی داخلی و بین المللی این نقض ها دیده می شود. بخشی از نقده به ساختار حقوق بین الملل و راسایی های آن و حتی اثرات مناسبات قدر سیاسی بر آن برمی گردد و بخشی دیگر به ساختار اداری کشور در زمینه ارائه خدمات حقوقی پیوزده خدمات حقوقی بین المللی که قبلاً اشاره شد. اما بالاخره قدمی با دستور موقت ولو به این نقد ممکن است وارد باشد. این قدم کمتر از مسائل حقوقی و دعاوی داخلی و بین المللی این نقض ها دیده می شود. بخشی از نقده به ساختار حقوق بین الملل و راسایی های آن و حتی اثرات مناسبات قدر سیاسی بر آن برمی گردد و بخشی دیگر به ساختار اداری کشور در زمینه ارائه خدمات حقوقی پیوزده خدمات حقوقی بین المللی که قبلاً اشاره شد. اما بالاخره قدمی با دستور موقت ولو به این نقد ممکن است وارد باشد. این قدم کمتر از مسائل حقوقی و دعاوی داخلی و بین